



روزنامه سراسری
صبح ایران

پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب با حضور میلیونی مردم در تهران تشییع شد؛

بدرقه باشکوه امام در آغوش امت

مراسم تشییع تاریخی رهبر شهید انقلاب و خانواده ایشان روز گذشته با حضور میلیونی مردم در تهران برگزار شد

بدرقه باشکوه امام در آغوش امت

رساندند تا آخرین سلام را به مردی بگویند که سال ها او را پدر معنوی خود می دانستند. کمتر کسی گمان می کرد پس از تشییع امام خمینی (ره)، تاریخ ایران بار دیگر چنین دریای انسانی را به چشم ببیند؛ اما آنچه رخ داد، فصلی تازه در حافظه جمعی ایرانیان نوشت.

چهار ماه انتظار، سرانجام به دوشنبه تاریخی ختم شد؛ روزی که تهران نه فقط میزبان یک آیین تشییع، بلکه صحنه تجلی دوباره پیوند یک ملت با رهبر شهید خود بود. روز گذشته میلیون ها نفر از دورترین شهرهای ایران و از کشورهای منطقه، خود را به پایتخت



جعفر کاظمی

روزنامه نگار

رهبر شهید از «ملتی که مبعوث می شود» سخن گفته بود. آن روز شاید کمتر کسی می دانست این تعبیر، روزی چنین معنایی پیدا خواهد کرد. بعثت یک ملت، نه فقط در میدان جنگ که در میدان وفاداری نیز آشکار می شود؛ آنجا که میلیون ها نفر، بی آنکه اجباری در کار باشد، تنها از سر احساس تکلیف و محبت، کیلومترها راه را طی می کنند تا بگویند عهدشان هنوز پابرجاست؛ مگر نه اینکه معنای «إِنَّا عَلَى الْعَهْد» همین است؟

شاید همین صحنه ها بود که مراسم تشییع را از یک آیین سوگواری فراتر برد و آن را به بخشی از حافظه تاریخی ایران تبدیل کرد. همان گونه که نسل های پیشین، تشییع امام خمینی (ره) را به عنوان یکی از بزرگ ترین اجتماعات تاریخ معاصر به یاد دارند، اکنون نسل امروز نیز تصویری دیگر را در حافظه خود ثبت کرده است؛ تصویری از خیابان هایی که انتها نداشت، از مردمی که پایان نمی یافتند و از اشکی که به اندازه یک ملت جاری بود.

این مراسم، تنها بدرقه یک رهبر نبود؛ تجدید بیعت نسلی بود که می خواست بگوید خاطره مردان بزرگ، با رفتنشان پایان نمی یابد. آنان در حافظه ملت ادامه پیدا می کنند؛ در روایت مادرانی که فرزندانشان را با نام آنان بزرگ می کنند، در دعا های پیرمردانی که با مشقت خود را به مراسم رساندند و در اشک های پیرزنانی که حتی ناتوانی جسم نیز توانست مانع حضورشان شود.

و شاید بزرگ ترین دستاورد این تشییع باشکوه، همین بود؛ این که بار دیگر ثابت شد این سرزمین، هرگاه پای باور و وفاداری در میان باشد، می تواند صحنه هایی بیافریند که در قاب هیچ دوربینی ننگند. ملت ایران، در روزهای داغ تیرماه، تنها یک پیکر را بدرقه نکرد؛ بخشی از تاریخ خود را بردوش گرفت، با اشک بدرقه کرد و پرچم سرخ خود را برافراشت. تاریخی که بی تردید، سال ها بعد نیز از آن به عنوان یکی از ماندگارترین و باشکوه ترین اجتماعات مردمی این سرزمین یاد خواهد شد و محاسبات نظام بین الملل را به چالش خواهد کشید.

زمانی برای رسیدن به میدان آزادی نیاز بود. آنچه شکوه این تشییع را دوچندان می کرد حضور افشار مختلف در مراسم بود. در میان انبوه جمعیت، پیرزنی بر زمین نشسته بود که توان راه رفتن نداشت. با این حال، با کمک دستانش، خود را چند متر، چند متر جلو می کشید تا از قافله وداع جا نماند. کمی آن طرف تر، پیرمردی با واکر، آرام و خمیده، قدم برمی داشت. هر گام برایش دشوار بود، اما انگار نمی خواست تاریخ بدون حضور او ورق بخورد. این ها تصویرهایی بودند که شاید هیچ دوربینی نتوانست حششان را ادا کند، اما در حافظه هزاران شاهد، برای همیشه ثبت شد.

تهران روز دوشنبه، دیگر فقط پایتخت ایران نبود؛ پایتخت دلدادگان مردی بود که مرزهای جغرافیا را پشت سر گذاشت. ژاثرانی از عراق، افغانستان، پاکستان، یمن و دیگر کشورهای منطقه آمده بودند؛ بعضی با پرچم کشورشان، بعضی با لباس های محلی و بعضی تنها با چشمانی اشک بار. زبان هایشان متفاوت بود، اما پیام حضورشان یکی بود؛ آمده بودند تا با رهبر شهید امت اسلامی وداع کنند.

دیروز، فرصتی برای فریاد و بروز بغض های فروخورده بود؛ فرصتی برای مردمی که چهار ماه در انتظار عزاداری برای رهبر مظلوم اما مقتدرشان بودند، چرا که بسیاری هنوز فرصت گریستن پیدا نکرده بودند. التهاب روزهای نخست، شرایط کشور و حوادث پس از شهادت، مجال سوگواری را از آنان گرفته بود. این سه روز، موعد قرار اشک ها بود؛ موعد شکستن بغض هایی که ماه ها در سینه مانده بود.

قطعا بسیاری از تحلیلگران، مراسم تشییع را از منظر سیاسی و اجتماعی بررسی خواهند کرد؛ از پیام های داخلی و خارجی آن خواهند گفت و از بازتاب های رسانه ای اش خواهند نوشت. اما حقیقت این است که آنچه در خیابان های تهران دیده شد، حضور میلیون ها انسانی بود که برای ادای کمترین حق مردی آمده بودند که طی سی و هفت سال، در راه عزت و شرف اسلام و ایران جنگید و از خون خود و عزیزترین اعضای خانواده اش هزینه کرد. چند هفته پیش از شهادت،

بعضی صحنه ها را نمی توان با آمار روایت کرد. هر عددی، هر قدر هم بزرگ باشد، در برابر تصویری که چشم می بیند، حقیر می شود. شکوه تشییع رهبر شهید نیز از همان جنس بود؛ حادثه ای که باید آن را با چهره ها روایت کرد، با اشک ها، با پرچم های سرخ افراشته و با پاهایی که دیگر توان رفتن نداشتند، اما باز هم از حرکت باز نمی ایستادند.

مراسم تشییع قرار بود که از تهرانپارس و خیابان دماوند آغاز شود؛ اما به دلایلی که هنوز مشخص نیست از میانه راه، یعنی تقاطع یادگار آغاز شد که انتقاداتی را برانگیخت اما مردم تلاش کردند خود را به مسیر تشییع برسانند.

سیل جمعیت به قدری بود که خبرگزاری رویترز آن را به دریای عزاداران تشبیه کرد و آسوشیتدپرس پلاکاردهای در دست مردم را بازتاب داد و خبرنگار ایتالیایی بارها از واژه حیرت انگیز برای این شکوه حضور استفاده کرد. عموم شعارها مبتنی بر خون خواهی رهبر شهید بود و پرچم های سرخ یا لئارات الحسین که در فرهنگ شیعی به خون خواهی ترجمه می شود، توجه رسانه ها را بیش از هر چیز دیگری به خود جلب کرد. علاوه بر این، شعارهایی که مردم در راستای بیعت مجدد با رهبر جدید انقلاب، حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای سرمی دادند جلوه دیگری به آیین تشییع داد که موجب شد این مراسم علاوه بر سوگواری به نوعی بیعت مجدد مردم با رهبر انقلاب اسلامی باشد. شعارهایی نیز مانند «ای رهبر شهیدم راهت ادامه دارد» و «عزاست امروز روز عزاست امروز، خامنه ای شهید پیش خداست امروز» بارها از زبان تشییع کنندگان شنیده شد که از شعار های اصیل آیین تشییع در ایران است.

ازسوی دیگر انبوه جمعیت حرکت خودروی حامل پیکر شهدا را با مشکل مواجه کرده بود و این خودرو زمان زیادی را برای طی کردن مسیر کوتاه تا میدان آزادی صرف کرد و مشخص نیست اگر از ابتدای مسیر اعلام شده مراسم تشییع آغاز می شد چه

یادداشت

امت مبعوث شده؛ حماسه ای در تداوم خون سرخ حسین (ع)

محمد مهدی اسماعیلی
مدیرعامل بنیاد شهید و رئیس

امت مبعوث شده ای که در این چهل و هشت سال تاریخ انقلاب، حماسه ها آفرید، امروز در تهران، تاریخ را دوباره ورق زد. تشییع امام شهیدمان، یک تشییع بی نظیر نبود؛ یک تاریخ سازی تمام عیار بود. نه پادشاهی، نه خلیفه ای، و حتی فرستادگان صالح خداوند، چنین تجربه باشکوهی را در وداع با خود ندیده اند. شاید این، تنها معجزه ملموس نهضت امام خمینی (ره) باشد که در سه مقطع سرنوشت ساز، امت را به خیابان ها کشاند: در آغاز انقلاب، ۱۲ بهمن ۵۷؛ در وداع با بنیانگذار، ۱۴ خرداد ۶۸؛ و امروز، در ۱۴ تیر ۱۴۰۵، در بدرقه رهبری که چون ستون خیمه گاه ایستاده بود.

در میان این سه رویداد، تشییع سردار دلها، حاج قاسم سلیمانی، در دی ماه ۱۳۹۸ و تشییع شهید رئیسی در دوم خرداد ۱۴۰۳ نیز اجتماعی کم نظیر رقم زد. اما آنچه امروز در تهران رخ داد، از همه فراتر رفت. این وداع با یک رهبر و زعمیم و امامی شیعی بود که جمعیتی بی سابقه از ابتدای خلقت تا امروز را گرد هم آورد؛ موجی انسانی که نه در حصر جغرافیا می گنجید و نه در وصف تاریخ.

تهران، از روزگاری که روستایی کوچک در حوالی ری بود تا اکنون که ام القرای جهان اسلام نام گرفته، هرگز چنین قیامتی را به خود ندیده است. فیض و کسری، اگر از اعماق تاریخ به این صحنه می نگرستند، حسرت بارانی چنین پرشور و ملتی این چنین وفادار می خوردند. شاهان ایرانی در بلند پروازانه ترین رویاهای خود نیز تشییعی اساطیری بدین عظمت ندیده اند؛ آنان که پس از مظفرالدین شاه، هیچ یک در خاک وطن آرام نگرفتند و در غربت و گمنامی مردند. اینجا جاست که تقابل دو روایت از تاریخ آشکار می شود: روایت پادشاهان که در فراموشی به پایان رسید، و روایت رهبری که در آغوش میلیون ها نفر به ابدیت پیوست. اما این عظمت، از کجا سرچشمه گرفته است؟ بزرگترین هنر مکتب عاشورا و امام حسین (ع) در ایران، پدید آوردن همین جمعیت مبعوث شده به ندای ولایت است. ولایت فرزندان حسین بن علی (ع)؛ هم خمینی کبیر و هم خامنه ای عزیز، هر دو فرزندان راستین حسین بن علی، پیامبر اعظم (ص) و فاطمه زهرا (س) بودند و این نسبت روحی، نهال انقلاب را تا امروز آبیاری کرده است. کربلا و عاشورا بودند که این نهضت را رقم زدند و امروز پرچم های سرخی که در تهران و روزهای پیش از آن در مصلا برافراشته شد، همان پرچم سرخ بر گنبد حسین بن علی (ع) است؛ پرچمی که تا ابد، تا ابد، تا ابد، خونخواهی ماست.

در فرهنگ شیعی، امروز در کنار «یالئارات الحسین»، «یالئارات الخامنهای» نیز ثبت شد؛ آوازی که از دل میلیون ها شفیفته برخاست و نشان داد که خونخواهی، نه یک شعور که یک شور تاریخی است. این تابوت، فقط تابوت یک فقیه نیست؛ تجلی عزتی است که اسلام در سایه این انقلاب یافته است. شیعیانی که پیشتر جز نشستن و انتظار، تصویری از دین نداشتند، امروز چشم می گشایند و عزت دین را در پشت این تابوت می بینند. ایرانیانی که در حسرت شکوه های کهن شاهان می سوختند، رستای خامنهای را پس از قرن ها مرگ حقیرانه پادشاهان تماشا می کنند.

و اما میداوریم این خونخواهی را به زودی در عمل به اجرا گذاریم؛ روزی که پرچم سرخ بر فراز گنبد اباعبدالله حسین (ع) با ظهور حجت بن الحسن (عج) از سرخی خارج شود و به پرچم سبز ظهور و عدالت مبدل گردد. آن گاه تاریخ خواهد نوشت که این امت، از عاشورا تا ظهور، هرگز لحظه ای از مسیر خود غافل نبود. امروز، تهران میزبان بزرگترین اجتماع بشری از ابتدای خلقت تا امروز بود، برای وداع با کسی که دل ها را با خود به خیابان کشید و ثابت کرد که عزت یک انقلاب، نه در کاخ ها و زر و زیورها، که در اشک های میلیونی و دست های برافراشته ای رقم می خورد که تابوت او را تا اقی بدرقه کردند.

اینجا تهران است؛ این پیکر مطهر شهید سید علی خامنه ای است، و این بهترین امتی است که تاریخ به خود دیده است. نه برای آنکه جمعیتش بسیار است، بلکه برای آنکه این جمعیت، خود معنای انتخاب است؛ انتخابی که در تابوت خلاصه نمی شود و در تاریخ می ماند.

بازتاب جهانی وداع تاریخی ملت ایران بارهبر شهید

بیرق‌های قرمز و سیاه انتقام در تهران، اتاق‌های خبر جهان را تسخیر کردند

در حالی که خیابان‌های تهران از ساعات اولیه بامداد دوشنبه مملو از میلیون‌ها عزادار با چشمان اشک‌بار و پرچم‌های قرمز انتقام بود، مراسم تشییع تاریخی پیکر مطهر شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، با شکوهی بی‌نظیر برگزار شد. رسانه‌های جهان، حتی رسانه‌های وابسته به جبهه استکبار و رژیم اسرائیل، ناچار به پوشش گسترده این رویداد عظیم شدند و آن را «بزرگ‌ترین تجمع عمومی در تاریخ ایران» توصیف کردند. این خروش میلیونی نه تنها نماد وحدت و اقتدار ملت ایران در برابر ترور ناجوانمردانه رهبر شهید، بلکه فریاد رسانی تداوم راه مقاومت و شکست محاسبات غلط غرب و صهیونیست‌ها در عرصه بین‌المللی است. از مسکو تا واشنگتن و از دوحه تا لندن، جهان شاهد بود که ایرانیان انتقام را می‌طلبند.

محسن فرهنگد

روزنامه‌نگار

بایان پروژه «تغییر رژیم»

رابرت فانتینا، نویسنده و تحلیلگر آمریکایی - کانادایی و نویسنده کتاب «امپراتوری، نژادپرستی و نسل‌کشی: تاریخ سیاست خارجی آمریکا»، در گفت‌وگوی با ایرنا، ترور رهبر ایران را «اشتباه بزرگ» غرب خواند که آن‌ها را در عرصه بین‌المللی شرمسار کرد. فانتینا با اشاره به درک تاریخی رهبر شهید از سلطه‌گری غرب و باور عمیق به استقلال همه‌جانبه ایران، گفت: «آیت‌الله‌خامنه‌ای شرارت‌های امپریالیسم غرب و تمایل ایالات متحده و موجودیت صهیونیستی را تشخیص دادند اما تسلیم نشدند.» وی نقش محوری رهبر شهید در تقویت محور مقاومت، حمایت از حزب‌اللهیان و حماس فلسطین را برجسته کرد و تأکید نمود که این حمایت‌ها باعث پایداری این جبهه‌ها در برابر وحشی‌گری آمریکا و اسرائیل شده است. فانتینا افزود که دولت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی، قدرت سپاه پاسداران و استقامت مردم ایران را دست‌کم گرفته بودند و تصور می‌کردند ترور رهبر، منجر به جنگ داخلی و تغییر رژیم می‌شود؛ اما این محاسبه غلط، بار دیگر شکست امپریالیسم را آشکار ساخت.

از سوگواری تا نمایش قدرت ملی

شبکه العربیه عربستان، که اغلب موضعی خصمانه نسبت به ایران دارد، ناچار شد آغاز مراسم را به عنوان تیتراژی خود بگزیند. این شبکه گزارش داد که پیکر رهبر شهید به همراه اعضای خانواده شهیدش، در خودروهای ویژه تشییع می‌شود و مسیر طولانی ۱۰ تا ۱۲ ساعته از خیابان انقلاب و میدان آزادی تا اتوبان لشکری ادامه خواهد داشت.

سی‌ان‌ان آمریکایی نیز جمعیت عظیم عزاداران را برجسته کرد و به پرچم‌های ایران، فلسطین و حزب‌الله مسیر اشاره نمود. وب‌سایت عربی ۲۱ قطر با اشاره به توافق اسلام‌آباد که مسئولیت نظارت بر تنگه هرمز را به ایران واگذار کرد، تأکید نمود که توازن قوا به نفع ایران و محور مقاومت تغییر کرده و نتانیاهو بزرگ‌ترین بازنده این میدان است. آسوشیتد پرس از «تراکم فوق‌العاده جمعیت» نوشت که مقامات با بلندگوها مردم را به آرامش دعوت می‌کردند. گاردین انگلیس حضور «میلیون‌ها نفر» را گزارش کرد. بی‌بی‌سی به آمیختگی سیاست و عواطف در تهران اشاره داشت. ایندپندنت از درخواست عزاداران برای انتقام از ترامپ خبر داد و نیویورک تایمز خیابان‌ها را «مملو از جمعیت» توصیف کرد. الجزیره این مراسم را «بزرگ‌ترین تجمع عمومی در تاریخ ایران» نامید.

راشاتودی روسیه تصاویر میلیون‌ها سوگوار را پخش کرد و یورونیوز ویدیویی از بدرقه



شاید مهم‌ترین دستاورد این مراسم، نه در تعداد شرکت‌کنندگان، بلکه در تغییری باشد که در ادراک جهانی نسبت به ایران ایجاد کرد. رسانه‌هایی که تا دیروز از «ایران در حال فروپاشی» می‌نوشتند، اکنون از خیابان‌های مملو از جمعیت گزارش می‌فرستادند. رسانه‌هایی که انتظار آشوب داشتند، از انسجام سخن گفتند. رسانه‌هایی که بر فروپاشی حساب باز کرده بودند، ناچار شدند از میلیون‌ها عزادار بنویسند. و رسانه‌هایی که سال‌ها روایت خود را بر پایه شکاف میان مردم و نظام بنا کرده بودند، این بار بزرگ‌ترین نمایش پیوند ملت و ساختار سیاسی ایران را به تصویر کشیدند.

وداع باشکوه، فریاد تداوم مقاومت و انتقام

تشییع تاریخی شهید خامنه‌ای، کابوس مشترک واشنگتن و تل‌آویو را به واقعیت تبدیل کرد. رسانه‌های صهیونیستی، آمریکایی و اروپایی که سال‌ها با پروپاگاندای دروغین، از «فروپاشی قریب‌الوقوع» نظام سخن می‌گفتند، اکنون ناچارند عظمت این خروش را گزارش کنند. از اعتراف تایمز اسرائیل و جروزالم پست تا پوشش گسترده تاس، ریائوستی، الجزیره، سی‌ان‌ان و نیویورک تایمز، همه نشان‌دهنده آن است که ترور رهبر شهید نه تنها خللی در ارکان انقلاب ایجاد نکرد، بلکه اتحاد ملی را به اوج رساند و پیام مقاومت و ایستادگی را با صدای بلند به جهان مخابره کرد. این همان میراث جاویدان آیت‌الله خامنه‌ای است که دشمن را در محاسبات راهبردی فلج کرده است.

کامیون حامل تابوت با چشمان گریان مردم و انداختن چغیه‌ها برای تبرک منتشر کرد. این شبکه مراسم را آغاز سفری آیینی به سوی مشهد و دیگر شهرها دانست. آناتولی ترکیه نیز حلقه جمعیت در میدان انقلاب حول المان مشیت گره کرده رهبر شهید را پوشش داد. واشنگتن پست و فرانس ۲۴ نیز به مقایسه این مراسم با تشییع امام خمینی (ره) پرداختند و آن را نماد قدرت، اتحاد و انسجام ایرانیان خواندند. سی‌جی‌تی‌ان چین از «سوگ عظیم» ده‌ها هزار نفر سخن گفت. رویترز نیز انتظار میلیون‌ها نفر را تأیید کرد.

در بعد تحلیلی، محمد فرج پژوهشگر عرب در المیادین، پنج پیام اصلی این مراسم را برشمرد: وداع در میانه جنگ، الگوی قابل تعمیم مقاومت، ضرورت همگرایی با جهان عرب، مرکزیت و محوریت مسئله فلسطین، و تبدیل تهدید به فرصت. فرج تأکید کرد که رهبر شهید با ایثار و اعتماد به مردم، الگویی از مقاومت ساخت که تحریم‌ها را به پیشرفت تبدیل کرد.

این پوشش جهانی، هرچند برخی با لحن تحریف‌آمیز، نشان‌دهنده آن است که ترور رهبر شهید نه تنها انقلاب را تضعیف نکرد، بلکه آن را قوی‌تر و منسجم‌تر ساخت. دشمنان که با ترور به دنبال ایجاد خلأ بودند، اکنون با دریایی از مردم مواجه‌اند که فریاد انتقام و تداوم راه رهبر را سر می‌دهند.

آمریکا و اسرائیل با اقیانوسی از انتقام روبرو شدند

مراسم تشییع شهید آیت‌الله‌خامنه‌ای، یادآوری تاریخی است که خون شهید، درخت انقلاب را آبیاری می‌کند. از طهران تا قدس، این پیام مقاومت طنین‌انداز است: «ما هنوز ایستاده‌ایم و تا پیروزی نهایی پیش می‌رویم.» امپریالیسم و صهیونیسم در برابر این خروش میلیونی، بیش از پیش درمانده و شرمسارند. این تشییع، نه پایان، بلکه آغاز فصل جدیدی از بیداری اسلامی و شکست توطئه‌های استکبار است.

